

چریکهای
فدائی خلق
ایران

خبرنامه

شماره 191

شهران

باید در جریان مبارزه توده‌ها دوسر
شکل وسط‌حی که باشد قوار
داشت و آنرا ارتقاء داد

با تحریم رفتار دوم هیئت حاکمه رادار پیشبرد مقاصد ارتجاعی‌ش رسوا کنیم!

۹ ماه از قیام خونین بهمن ماه میگذرد. ۹ ماهی که هر روز آن حادثه‌ای رادار بر داشته است. حاکمیت فعلی که حکومت خویش را مدیون سازش با امپریالیسم و قریب‌توده‌هاست، با اعتبار قدرت سیاسی خویش، هر روز واقعه میآفریند تا در پیچ و خم این وقایع، تبلیغات عوام‌فریبانه خویش را گسترش داده و مؤثر سازد. برآستی که خصوصیت بارز دارودسته حاکم، توانا‌نیش‌در قریب‌مردم است و عامل بقای اینان نیز همین است.

حاکمیت وقت در تمامی این ۹ ماه کوشیده است به شیوه‌های مختلف و با اتخاذ تاکتیک‌های متنوع، از تهمت‌زدن به چریک‌فدائی گرفته تا ضدانقلابی خواندن کارگران، از سوءاستفاده کردن از احساسات مذهبی مردم و دعوت آنان به صبر و شکیبائی و سکوت در مقابل هرگونه ظلم و اجحاف گرفته تا بیان کثیف‌ترین صفت‌ها به توده‌های مبارز، مردم را سرگرم کرده تا چند صباحی بیشتر بر مسند قدرت تکیه زند. ولی هرچا تبلیغات مسموم‌کننده آنها کارآیی نداشته است، لحظه‌ای در استفاده از ارتش و پاسداران مزدورشان ایا نداشته‌اند. هرچند که استفاده از این حربه چهره فریبکار آنان را هرچه بیشتر دریده است.

از همان ماه‌های اول توده‌های آگاه بتدریج متوجه شدند که چگونه حاکمیت وقت شش‌سور انقلابی مردم را در مبارزه علیه شاه و اربابانش، در خدمت تحقق منافع قشری خود بکار گرفته است. فریاد "مرگ بر شاه" توده‌ها مضمون فدا امپریالیستی داشت درحالی‌که مخالفت حاکمین وقت صرفاً با دارودسته شاه بود تا با بزرگ‌کنیدن آنها از قدرت، خود به تخت ولایت فقیه جلسوس نمایند.

آگاهی روبه‌رشد مردم هر روز بیش از پیش دست‌ارتجاع را در توسل به شیوه‌های همیشگی فریبکاری می‌بست و این در شرایطی بود که میبایست بزرگترین خواست‌توده‌ها در قیام، یعنی تشکیل مجلس مؤسسان، عملی گردد.

ایشبار حاکمین وقت دست به فریبی تازه زدند، فریبی که نیروهای سازشکار را هم‌بدم خود انداخت. آنها در عین حال که رسماً اعلام کردند توده‌ها صلاحیت اظهارنظر در مسائل سیاسی را ندارند و باید "خبرگان"، یعنی سرسپردگان رژیم، در مورد سرنوشت مردم تصمیم بگیرند، کوشیدند انتخابات مجلس "خبرگان" را هرچه بیشتر با بوق و کرنای تبلیغاتی برپا نموده و بآن چهره دمکراتیک بدهند. ارتجاع با توجه به ارتقای آگاهی مردم بخوبی میدانست که هرگز نخواهد توانست بهمان اندازه "رفران دوم" توده‌ها را به پای صندوق‌های رای بکشاند. امری که برای آنان بسیار حائز اهمیت بود. اگر مردم بی‌پای صندوق‌های رای نمی‌آمدند، دیگر نمیشد تا با تکیه بر کثرت رای‌دهندگان، خود را نماینده مردم جلوه داد و این چماق را به سر هرکس که روی خواست‌های بحق خویش پای میفشارد، فرود آورد. نیامدن توده‌ها بی‌پای صندوق‌های رای آنچنان خطری برای ارتجاع بدنبال داشت که میتوانست پایه‌های حکومت او را، بدلیسل آنکه اساس بر فریب مردم نهاده شده‌است، بلرزه درآورد. برای ارتجاع این موضوع چندان اهمیت نداشت که بکدام کاندید رای داده شود. "خبره‌ها قبلاً" از طرف خود آنان انتخاب شده بودند. مهم، کثرت شرکت‌کنندگان در انتخابات بود. از اینرو میبایست سراغ نیروهای سیاسی مخالف می‌آمدند و با شرکت دادن نیروهای خوشنام در این انتخابات، از نام آنان برای جبران بدنامی خود استفاده میکردند. برای ارتجاع بسیار مهم بود که با شرکت دادن این نیروها در

مرگ بر امپریالیسم و سگ‌های زنجیریش

انتخابات، از طرفی با ایجاد امید واهی، توده‌ها را از اندیشه درمورد مبارزه واقعی بازداشته و توجه آنها را هرچه بیشتر بطرف این مجلس جلب نماید و از طرف دیگر با کشاندن توده‌های پشتیبان این نیروها برای صندوق‌های رأی، جمعیت شرکت‌کننده را کثیر جلوه دهند. درک این موضوع برای انقلابیون چندان مشکل نبود، ولی نیروهای سازشکار بدام فریب ارتجاع افتادند و در نمایندگان ماهی شرکت کردند که کارگردانش بخوبی میدانست کدام بازیگران باید در صحنه‌های اول باشند و بعد کنار گذاشته شوند. جالب توجه است که نیروهای سازشکار ظاهراً این موضوع را فرض شده اعلام نمودند، با اینحال آنها با اتخاذ تاکتیک شرکت در انتخابات، نیروی توده‌ای خود را در خدمت ارتجاع قرار دادند و عملاً در فریب توده‌ها و رای‌رساندند، حاکمیت در نقشه خود بخوبی موفق شد. حال میتوانست بکار رمز زنی توده‌های پای صندوق رأی و نه خود رأی، بپردازد و در شرایطی که ذهن مردم را بطرف مجلس "خبرگان" و نیروهای سیاسی را سرگرم مسائل مربوط به انتخابات کرده بود، با سودگی درخفا نقشه سرکوب خلق را تهیه ببیند. هنوز مجلس "خبرگان" جا نیفتاده بود که حمله به تمامی نهادهای دمکراتیک آغاز شد و حتی ستادهای نیروهای سازشکار مدعی رهبری طبقه کارگر، که آنهمه خوش خدمتی کرده بودند، نیز از این بورش مومن نماند. جو اختناق دوره آریامهری دوباره حاکم شد. ارتجاع بعدی فریب خود را کاری و خویشتر را در اوج قدرت میدید، که بلافاصله بپوشش نظامی بر علیه خلق کرد را آغاز کرد. علیرغم تبلیغات سوء، این نه فقط بازیگران نخست وزیر منتخب "امام" نه فقط اعضای کابینه او، نه فقط بهشتی‌ها و چمران‌ها و یزدی‌ها و این نایبندگان "امام" و پاسداران منافع امپریالیسم در ایران، نه فقط خلقالی جلا، بلکه فرد فرد اعضای این دارودسته بودند که میگفتند باید به شدیدترین وجه خلق رنج‌دیده و فهرمان کرد را سرکوب کرد. تمامی آنها در این جنبش تریک هستند. آنها فریاد میزدند که جزای هرکسی که با ایسین امر مخالفت کند، چوبه دار است و در حالیکه وعده آویختن چوبه‌های دار را در هر کوی و برزن به توده‌های آگاه و نیروهای انقلابی و مترقی میدادند، در کردستان به وعده خود عمل نمودند. زخمی‌ها را با برانکاره به میدان اعدام بردند، مردان را شبانه از خانه‌های خود بیرون کشیده و در عرض بهایست تیرباران کردند و حتی برخلاف ادعاهای پرطمطراقشان، به زنان حامله و کودکان نیز رحم نکردند.

مجلس "خبرگان" در میان خون و آتش بپاشیده کار خود را آغاز کرد. حکام وقت با یکدست به سرکوب خلقهای ما، که خواستی جز پایان بخشیدن به ستم و استعمار امپریالیستی و نابودی تمامی سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران ندارند، پرداختند و دست دیگر در این مجلس به تدوین قانون اساسی ای که بنده آن درجهت تحکیم روابط امپریالیستی و حفظ منافع روحانیت است، همت گماشتند.

سرکوب خلق برخلاف دوران شاه بجای ایجاد رعب و وحشت در جامعه، نتیجه عکس خود را برای ارتجاع به ارمغان آورد. مقاومت دلیرانه خلق کرد، پوزه این تازه‌بدوران رسیده‌ها را به خاک مالید و حصن‌ها و اعتراضات نیروهای خلقی سایر نقاط، مشت آنان را باز کرد. فریادهای "مرگ پیرشاه" به فریادهای بی میلیون بیکار در جستجوی کار تبدیل شد که یکمدا میگفتند: "صبر پس است، عمل کنید". به فریاد دهقانانی تبدیل شد که میخواستند دست زمینداران بزرگ از سرشان کوناه شود و زمین برای کشت داشته باشند. به فریاد میدان‌دلمیر، که دیگر حاضر نبودند شیلات آریامهری را تحمل نمایند، تبدیل شد. به فریاد دانش‌آموزانی تبدیل شد که خواهان آموزش رایگان بودند و دیگر نمیخواستند تحت سیطره فرهنگ امپریالیستی قرار گیرند. به فریاد افتخار و طبقات خلقی تبدیل شد که علیه نظام سیستم سرمایه‌داری وابسته قیام نموده بودند. اگر دیروز مقامد پلیس ارتجاع در حفظ ارتش امپریالیستی در زیر شعار فریبکارانه "ارتش برادر ماست" پوشیده مانده بود، ولی سرب‌کداخته گلوله‌های این ارتش و مسزوران

مرگ بردگان کاران و فریبکاران

جدید وابسته بآن در بدنهای مبارزین کرد، عرب، ترکمن، کارگر افغانی و خرورهای، سیاه انزلی و جاش برای لاپوشانی مقاصد واقعی آنان باقی نگذاشت و خون سرخ وینا دایمانی - ها، دکتر روشنها، ناهیدها، گرجی بیانی ها و میرشکاری ها جاش برای این توهم باقسی نگذاشت. در اثر آگاهی خلق و آغاز موج جدید مبارزه، تفادهای درونی دستگاه حاکمه شدت یافت و این خود در آگاهی هرچه بیشتر مردم موثر افتاد.

در جریان انتخابات "شورا" های شهر، با وجود اینکه تبلیغات زیادی روی آن بعمل آوردند و با توجه به عدم شرکت مردم در این انتخابات، آنها دریافتند تاچه حد موقعیت خود را در بین مردم از دست داده اند؛ دریافتند که دیگر سرکوب و فریب های همیشگی کارائی ندارند. وحشت سر پای این دارودسته رهبری طلب را فراگرفت. میبایست به حیل های جدید، به حیل های مردم فریب دست زد. این حیل "میبایست با توجه به کل شرایط جامعه و موقعیت خود آنان طرح ریزی شود و چنان باشد که آثار خون و جنایت را از چهره های آنان پاک کرده و بساز تمام فجایع گذشته را بگردن مهره های از حاکمیت بیاندازد. بنابراین لازم بود بازرگان، این فرد "خوش نام"، فردی که "موفقیتهاش" در تحکیم روابط امپریالیستی و تأیید نامها پیش از طرف "امام" مورد غیبه همکارانش گشته بود، فدا شود. پس دولت بازرگان ساقط شد و "شورای انقلاب" به تنهایی مسئولیت امور کشور را بعهده گرفت. چراکه ظاهراً "مسئولیت تمام اغسال ضد خلقی هیئت حاکمه با دولت بازرگان بود، ولی چه کسی نمیداند که بعد از قیام هیچ عملی بدون اجازه "شورای انقلاب" و شخص خمینی صورت نگرفته است و بازرگان که خود هنوز هم یکی از اعضای این شورا است، تمام اعمال خود را با نظر تأییدی "شورا" انجام داده است.

با توجه به جو انفجاری حاکم در جامعه، سقوط دولت بازرگان اگر با مانور جدیدی همراه نبود، موفقیتی بسیار ضعیف بود، لازم بود این اقدام با بازی دیگری کامل شود. "تسخیر" سفارت آمریکا آن بازی مکتبی بود که هیئت حاکمه با تمام عواقب خطرناکش برای حفظ منافع قشری خود بآن دست زد.

مقامی که حاکمیت وقت با "تسخیر" سفارت آمریکا دنبال میکند، عبارت از آنستکه: "اولاً" با ضدامپریالیست نشان دادن خود، پرونده سیاه گذشته اش را از اذهان خلق پاک نماید. ثانیاً با استفاده از احساسات ضدامپریالیستی مردم و القای اینکه گویا در بیکار بین خلق و امپریالیسم، آنها بدلیل ایرانی بودنشان در صف خلق قرار خواهند گرفت، با زهم برگرداند مردم دلیر ما سوار شود تا یکبار دیگر از گسترش مبارزات مردم جلوگیری نماید و سیستم سرمایه داری وابسته را از خطر نابودی نجات دهند، تا بتوانند همچنان حکومت کنند و منافع قشری خویش را تأمین نمایند. بنابراین هیئت حاکمه میکوشد تا در فضای ایجاد شده، "قانون اساسی" ای را که توسط مجلس خود ساخته "خبرگان" تدوین شده است، به تصویب برساند.

تصویب "قانون اساسی"، همانطور که در مورد انتخابات مجلس "خبرگان" مشاهده شد، بهیچوجه بستگی به تعداد آرای مثبت مردم ندارد. این قانون حتی قبل از آغاز رفتار دوم توسط "فقیه" و "شورای انقلاب" منتخب او، که گویا وصی و قیم مردم اند، به تصویب رسیده است. هدف از به رفتار دوم گذاشتن این قانون، بار دیگر کشاندن توده ها به پای صندوقهای رأی است. مردم به پای صندوقهای رأی میبایند، مهم نیست که رأی منفی بدهند، چراکه هر رأی منفی را میتوان با یک چرخش قلم به رأی مثبت تبدیل کرد. مخصوصاً "که اگر مسئولیت جنبش رفتار دوم برعهده انسان "بیطرف" و "سی غرض" همچون آیت الله هاشمی رفسنجانی باشد؛ مهم اینست که مردم در آنجا حضور داشته باشند تا آنها بتوانند کثرت جمعیت را در پای صندوقهای رأی، دلیلی بر حقانیت خویش بشمارند. اتفاقی نیست که آنها ماه محرم را برای انجام رفتار دوم انتخاب کرده اند. توجه باین امر، که در این ماه بسبب حضور مردم در مساجد و تکیا امکان تبلیغات هرچه بیشتری برای روحانیت وجود دارد، بخوبی روشن میکند که تاچه حد شرکت

“قانون اساسی“، نقض آشکار حقوق خلقهاست!

مردم در انتخابات برای ارتجاع مسئله‌ای اساسی است و واقعا " برای وی اهمیت حیاتی دارد .
 قانونی که درین بند آن ادامه سلطه سرمایه‌های امپریالیستی بر ایران تضمین شده ،
 قانونی که در هر بند آن مخالفت با کارگران و دیگر نیروهای خلقی قانونیت یافته ، قانونی
 که محرومیت و تحقیر زنان را امدجندان کرده ، قانونی که فریادهای فدا امپریالیستی و حق -
 طلبانه خلقهای ایران را نادیده گرفته ، مسئله حق تعیین سرنوشت خلقها را مخدوش میکند ،
 قانونی که حتی واژه " جامعه بی طبقه -توحیدی" را بخود نمیپذیرد ، قانونی که بساط دیکتاتوری
 شاه را در " ولایت فقیه" گسترده است ، قانونی که نمایندگان شورای ملی را ، که تازه منتخب
 مردم هم نمیتوانند باشند ، به عروسکهای خمه شب بازی شورای نگهبان تبدیل میکند ، قانونی
 که گارد جاویدان شاهنشاهی را به لباس سپاه پاسداران درآورده است . قانونی که حق آزادی
 عقیده و بیان را در لفاظه افعالیت فدا سلاخی ممنوع اعلام میدارد ، قانونی که در هرنسب آن
 با گذاشتن " آکر" و " مگر" ها و شروط مبهم ، دیت حکام را در سرکوب جنبش خلق بازمیکندارد ،
 قانونی بنیادین ارتجاعی و نفع منافع و مصالح زحمتکشان و همه مردم آزاده ایران است .
 از اینرو شرکت در فرایند چنین قانون اساسی و حتی دادن رای منفی بآن ، بهمسلمان
 دلالی که گفته شد ، توهین به خلق ستمکش و مبارز ایران و زیر پا گذاشتن خون ۷۵ هزار شهیدی
 است که برای لایحه چنین قوانینی پی با کانه سینههای خود را در مقابل کلوله‌های دشمن گشودند .

خلقهای مبارز ایران !
 حاکمیت کنونی همانطور که تجربه ۹ ماهه خود شما نشان میدهد ، حکومتی وابسته بسسه
 امپریالیسم است . حکومتی است که نه تنها کوچکترین قدمی درخلاف جهت منافی که امپریالیستها
 در ایران دارند برنمیدارد ، بلکه توده‌های مردم را ، بجهت اقدام در فریاد زدن باین منافس
 غارتگرانه ، مورد ستم و آزار و قرار میدهد . تا این حاکمیت هرگز نمیتواند در مبارزه فسید
 امپریالیستی مردم در مقابل قرار گیرد . حتی در صورت تهاجم نظامی امپریالیسم آمریکا به ایران
 آنها همانند همه حاکمیت‌های وابسته ، منظور رسمی یا غیررسمی ، در کنار امپریالیسم قسار
 خواهند گرفت . حرکت شما ، هر زمانه دوم این تهاجم برخلاف تبلیغات جاکمیت به ضرر آمریکا نخواهد
 بود ، بلکه بدلیل محتوای این قانون که سراجی بفتح امپریالیسم و سرمایه‌های انحاری است ،
 کاملاً در جهت تحکیم روابط غارتگرانه امپریالیسم است .
 مملعا ، شما ، هرگز چنانچیزی را که همیشه گفته شما خوب میدانید که توبه گری همواره مرگ است . پس بگوئید
 شده است ، فراموش نمیکند شما خوب میدانید که توبه گری همواره مرگ است . پس بگوئید
 آگاهی خویش را در خدمت ما ، من منافع همه توده‌های ستمکش بکار گیرید و با عدم شرکت در
 فرایند ، نه تنها ارتجاع را در پیشبرد اهداف باید خود عقیم بگذارید ، بلکه نیروهای
 سازشکاری را هم که اینک در فریب توده‌ها یکمک ارتجاع شناخته‌اند و بعید نیست شمارا دعوت
 بیای متذوقهای رای بی شما بنده رسوا کنند ، بیای

شماره : ۱۶ / ۹ / ۶
 چریکهای فدائی خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی
 امپریالیسم امریکایی

تقدیم به رفیق احمد زبیرم چریک فدائی / چریکی که راه خود را از درون زندگی صیادان مبارزان سلسی یافت .
 خطبمغزین و قهرمانانه مردم انزلی که منجر به شهادت ۲۳ نفر از صیادان زحمتکش این منطقه گشته است ما را بر آن
 داشت که جداگانه یک تحلیل اجنالی از شرایط اقتصادی - اجتماعی صیادان شمال کشور بدست دهیم . گرچه بررسی
 وضع حاکمین روابط صیادان بدون برخورد با کن روابط اجتماعی بعنوان یک کلی لایق بدون برخورد با سیاستها
 دولت در مورد منابع طبیعی کشور مثل جنگ مراتع و اگر نکوشیم امکان پذیر نمی باشد لایق کافی نیست / ولی
 ما در این بررسی تلاش کنیم هر چه کوتاه تر و تا آنجا که لازمست با اجتناب از تفصیل بیشتر و با اشاره کلی به روابط
 اقتصادی - اجتماعی / نقد به وضعیت اجتماعی - اقتصادی صیادان شمال بپردازیم تا به علل فعلی صیادان آنطور
 که وقایع آنها در اینجا و آنجا شنیده و خوانده ایم بی ببریم و یک موضع درست و انقلابی در برخورد با آن اتخاذ نمائیم .

صید ماهی در طول دریای خزر و رودهایی که به این دریا می ریزند صورت می پذیرد . این رودخانه ها که همگی از طب
 جنگ های دامنه های سلسله جبال البرز من چشمه تن گیزند در فصل زمستان محلی خوبی برای صید انواع ماهی ها
 می باشند . و معمولاً گوشت این ماهی ها به علت زندگی در آب شیرین رودخانه لذیذتر از ماهی های دریاست . صیادان
 کد ابزر در شمال کشور فعالیت دارند / دهقانان کم زمین و یا بی زمین بودند که در گذشته در کنار تولید اصلی
 خود یعنی کشاورزی به صید ماهی میپرداختند تا در زمستان در فصل بیکاری از این طریق در آمدی بدست آورند
 و هم اکنون در روستاهای اطراف سواحل دریا این قسم از دهقانان در فصل زمستان به صید میپردازند .
 ولی در گذشته بتدریج که این دهقانان در اثر از دست دادن زمینهای خود به شهرها روانه شدند و پاروستاهایی
 که در آن میزیستند به شهر تبدیل گشت / دیگر فعالیت آنها در فصل تابستان عمدتاً به پلاو داری و یا فروشندگی
 و نظائر آن در سواحل دریا تبدیل شد / و حتی در برخی از روستاهای موجود در کنار دریا / دهقانان در فصل
 تابستان خانه های خود را به مسافرتی که به کنار دریا می آیند اجاره میدهند و از این طریق امرار معاش میکنند .

مسائل صید صیادان بطور کلی بهمان شکل ابتدائی باقی مانده است زیرا کوتاه نگه داشتن دست تولید معاصر این
 رشته از تولید توسط دولتهای مزدور مانع رشد ابتکارات نوده ها در این زمینه شد . امروزه وسائل مدرن و موتور
 صید بطور عمده در اختیار شرکت شیلات قرار دارد و توده ها توانائی بکارگیری این وسائل را ندارند .

تا قبل از اصلاحات ارضی دو بخش در صید به فعالیت مشغول بودند : الف - بخش دولتی . این بخش گه
 همان شیلات باشد یا وسایل و امکانات مجهز در درون دریا و با اجیر کردن کارگران که از دهقانان بی چیز
 مناطقی مختلف و عمدتاً دهقانان آذربایجان بودند / به صید میپرداختند و معایب صید شده را به شیلات
 خانی از کشور صادر می نمودند . شیلات بیشتر به صید ماهی " اوزون برون " (خاویار) میپرداخت و در همان
 موقع هم صید این ماهی از طرف مردم ممنوع بود . گرچه مردم وسایل لازم برای صید این ماهی را که دارای جهت
 بزرگی است / نداشتند ولی مهربانان در صید آن علاوه بر ممنوعیت قانونی ممنوعیت شرعی هم برای مردم وجود
 داشت و چون در شرایط فعلی این ماهی حرام است . میگویند انگلیسیها برای اینکه صید این ماهی را گنه
 تخم آن همان خاویار است بطور قطعی برای خود نگه دارند به ملامت رسیده دادند تا آنها حرام اعلام ندارند
 بـ در بخش دیگر صیادان (همان دهقانان و اهالی شهری که در بالا اشاره شد) بودند که بیشتر در رود
 خانه ها به صید ماهی میپرداختند . رودخانه ها در این مسیر شرایطی که روابط تولیدی قنونی وجود

داشت در املاک پهلوی برخی از آنها هم جزو املاک دولتی بودند / در آن زمان صیادان این رودخانه هارا کسه اکثرًا در مالکیت افراد و مالکیت املاک پهلوی قرار داشت (در فصل صید) اجاره می کردند و یا پرداخت اجاره که معمولًا مبلغ هنگفتی بود به کارگزاران می پرداختند . آنها ماهیان صید شده را یا خود به بازار شهر عرضه میکردند و یا به دکانداران شهری می فروختند و آنها ماهی ها را برای بازار عرضه میداشتند در هر حال مردمان زیادی تا در این رابطه اضرار فاحش میکردند.

برنامه اصلاحات ارضی که به منظور تسهیل گسترش سرمایه امیرالیستی در شهر روستا پیاده شد / موجب تغییرات زیادی در اقتصاد روستا بلقح امیرالیستی و تحسین فقر و فلاکت تواریهای ما شد . اصلاحات ارضی منابع طبیعی کشور را تلی اعلام کرد و آثار در اختیار بورژوازی کیرادور نهاد جنگ های ما به بهانه جلوگیری از بهره برداری بی رویه

از طریق طرحهای بهره برداری مورد غارت بورژوازی وابسته قرار گرفت . مراتع کشور با بهانه دیگری کاساسا چیز جز بیان دیگری از همان بهانه نبود . "اعلام شد زمینهای که میتوان مراتع در خدمت دامداری ملی ما بود به شکارگاههای خصوصی و زمینهای کشاورزی در ایران و سرمایه داران تبدیل شد .

در نتیجه امروز ما شاهدیم که دامداری ما نابود شده است . زمین دامداری ما از زمین بردن تلاطری زمین فعالیتهای بورژوازی کیرادور در بخش امیرالیستی فراهم شود / و از طرف دیگر با آواره نمودن مردم روستاها که اجرای این برنامه ها به دنبال خود داشتن ارتش بیگاران که لازمه صنعت وابسته است در شهرها فراهم شود . میدیم که چگونه بورژوازی

کیرادور با استفاده از تسهیلات دولتی (مصافحت گزینی پرداخت هزینه حمل و نقل احشام) به غارتگری می پرداخت و امروز مشاهده میکنیم که چگونه با قرار این سرمایه داران خلق ما که اقتصاد ملی اش بطور کامل توسط اقتصاد امیرالیستی از هم پاشیده است از کمبود مواد اولیه حتی گوشت تخم مرغ . . . در رنج است و دولت کومونیس

عقلی در جهت احیای اقتصاد ملی نمی کند و با بی نهایت تلاش در براه انداختن "چرخ اقتصادی مملکت" یعنی همان تولید که در دست به اقتصاد امیرالیستی وابسته است میکوشد . اقتصادی که بدون وجود سرمایه داران وابسته همانطور که امروز شاهدیم قادر به تهیه بهترین احتیاجات حیاتی مردم یعنی گوشت و . . . نیست .

چرا رژیم بعد از اصلاحات ارضی برخی از منابع ثروت اجتماعی همین مارا "اعلام میکند به خدمت خود می گیرد و جراحیات را ملی اعلام میکند؟

با اجرای برنامه های اصلاحات ارضی زمینه مساعدی برای گسترش سرمایه های کلان امیرالیستی فراهم شد . با ورود این سرمایه ها بداخل کشور برای دولت وابسته وظایف جدید تری ملن شد اولًا دولت ارتش و دستگاههای بوروکراسی عیسوی و لیبیتری را احتیاج دارد که به مراتب از آنچه که قبلاً وجود داشت پرهزینه تر است . دولت باید تسهیلات لازمه

برای ورود سرمایه های امیرالیستی را فراهم سازد . گمرکات بنادر / راهها (آهن / شوسته) فرودگاهها / وسائل ارتباطی (تلفن تلگراف براد پوستلوزیون) و . . . برای ورود نیاز این سرمایه ها را فراهم سازد . تمام این اقدامات را بر حسب برنامه اعلامی در حقیقت برای ویرانی اقتصاد ملی پیاده میشوند و برای اسارت هر چه بیشتر این کشور عاست تحت

عنوان قواعد فرضی توسعه و پیشرفت رشد اقتصادی انجام میدهند . اجرای این طرحها و وظائف و هزینه های زیادی برای دولتهای مزبور در بر دارد . معمولًا این دولتها از طریق اخذ وام از دول امیرالیستی این تسهیلات را انجام می دهند . ولی بر برخی از کشورها مثل کشور خود ما ایران که از منابع طبیعی سرشاری مگ فقط مواد معدنی

شیلات / جنگل و . . . برخوردار است دولتها یا این منابع طبیعی را به آنها واگذار کرده و یا این منابع ثروت را

نام عوام فریب‌گلی تمام درآمدهای خود اختصاص میدهند تا از این طریق تعهدات خود را نسبت به سرمایه‌های امپریالیستی

انجام دهند. یکی از آن نمونه‌ها که می‌خواهیم در اینجا بطیلاً جنبش مردم‌انگیز موری بررسی قرار دهیم صید ماهی است. تا قبل از اصلاحات ارضی/شیلات/ این موسسه دولتی با تجهیزات و امکانات کافی به صید ماهی در بخش‌های صید شده را به خارج کشور صادر میکرد و درآمدهای آن به صندوق دولت وابسته‌تر از هر چیزی میشد. ولی در کارهای میدان برای تامین مواد غذایی مورد نیاز داخلی به صید ماهی پرداختند. ولی بعد از اصلاحات بطور عمده دولت مزدور محمد رضا شاه با شعار مزورانه جلوكيری از صيد بی رویه شدیدا "وای تنگی داشتند وسیله سرکوبی یعنی اسلحه جلوكيری در گونه صيد از طرف مردم گرفت و مردم شهر از صرف این مواد غذایی محروم شدند یعنی این سالها صيد ماهی

بلافاصله پس از ملی شدن صيد/ بر سر هر رودخانه نزاران مسلمان گداخته شد و هر چند رودخانه‌های زیادی در آنجا قرار گرفت و در روزهای ورودی هر شهر ویا شهرکی زیر کترین شدیداً ماهوران مسلح قرار گرفت تا مبادا بول‌های صيد شده در روز چشم ماهورین مسلح به سایر نقاط حمل شود. رژیم مغز پهلوی با تمام امکانات خود سعی در کوتاه کردن دست صیداران از صيد نمود بیکباره مردم این خطه از این ماده غذایی بی بهره شدند. مخم و نفرت تمام مردم نسبت به رژیم بواسطه اینکه صيد ماهی مستقیماً تا همین گذشته مواد غذایی شان بوده برانگیخته شد. بواسطه این رابطه تنگاتنگ انت انت کمپار از صیداران

بلافاصله مورد حمایت مردم قرار گرفت. رژیم مغز پهلوی برای اینکه وظائف خود را بدرستی انجام دهد برای اینکه ماهیان در دریا را بطور کامل برای کشورهای امپریالیستی نگذارد و برای اینکه از نفع درآمد حاصل آن بتواند وظایف خود را در جهت منافع امپریالیستی بدرستی انجام دهد سفاکانه بسوی صیدارانیکه در دل شب و در سرمای سوزان و استغنی با قضایا اینست آنی بپیاکانه دل امواج غضبناک و خروشان دریا را میشکافتند. گلوله‌های آمریکائی شلیک میکرد آنها را دستگیر و جرمه ویا زندانی

مینمود ولی از آنجائیکه زندگی مردم این خطه باین امور وابسته بود چاره‌ای نداشتند. جز اینکه سرکار مبارزه با طبیعت قهار مبارزه با رژیم سفاک را با خشونت هرچه تمامتر بیاورند. مبارزه‌ایکه تنها شیرشان در مقابل شلیک گلوله دستهای خالی و سینه فراوی و دماغشان بود. ولی صیداران قهرمان ما از پای ننشستند و علی‌رغم تازگیهای مصلحت‌گشانه و شمشیر آتیکه در اینسن رابطه داده‌اند به صید یعنی عمده‌ترین مصدر زندگی خود ادامه میدادند. عاقبت الاخر رژیم دست‌نمبه خیل جدیدی از رژیم ادعا میکرد تمام این صنوبرها بخاطر جلوكيری از صيد بی رویه است و همین‌چوچه ضد تدارک که روزی صیداران را

پس پیشنهاد کرد که صیداران در یک شرکت تعاونی جمع شوند و به صيد بپردازند.

شرکت تعاونی صيد : شرکت تعاونی صيد اصولاً بخاطر این تشکیل شد که نشان دهند ضد رژیم این نسبت کم‌صیدان را بیکدیگر کند بلکه برای جلوكيری از صيد بی رویه استدر حقیقت شرکت ضمن تأمین کار برای صیداران از مهارشان استفاده نکرده تا ماهیهای صيد شده را به خارج از کشور صادر کند و از روی آن به بازار داخلی جلوكيری نماید نحوه عملکرد شرکت تعاونی چنین است شرکت

قراردادی با یک نفر بعنوان سر صیدان در مدت مینعی (فصل صيد) می‌بندد تا نامبر در مذاکره‌ایکه شیلات تعیین میکند با استفاده از کارگران صیدان که خود استخدام میکند صيد نموده و ماهی صيد شده را کلاً تحویل شیلات دهد. شیلات این ماهیهارا به قیمت نازک که در سال خود تعیین میکند و بازار آزاد ویا صیداران بهیچ وجه در آن دخالت ندارند. از صیداران میخورد و وسایل و امکانات لازمه را جملگن شیلات در اختیار سر صیدان قرار میدهد و این وسایل عمکی ابتدائی هستند همانطوریکه گفتیم صیدان بهیچ وجه حق ندارند ماهی صيد شده را به غیر از شیلات به کسی دیگری عرضه کنند. در حقیقت

حق خرید انحصاری از آن شیلات استوار کرد. این زمینه تخلف صورت گیرد/ یعنی اگر صیاد ماهیهای صید شده را به کس دیگری عرضه ویا حتی اگر بران صرف خانوادگی خود بر دارد قرارداد منفس میگرد و شیلات دیگر هرگز با آن قرارداد نمی بندد. بطالین که گفته شد نشان میدهد که چگونه نمای طبیعی کشور نیز نیروی کار این جوامع در خدمت نمایندند. بیهای اقتصاد امپریالیستی است علاوه بر آن گفتنی است که کارگران شیلات اقصا تمام شرایط بدتر از شرایط قرون وسطا بسر میبرند از هیچگونه حقوق طبیعی برخوردار نیستند محل کارشان عمان الاقیقیهای است که در کنار دریا باجگن و... میسازند. سوز و سمرادر کنار دریا در فصل زمستان هر آن جان کارگران را در معرض خطر قرار میدهد و گفتنی است که کارگران شیلات از هیچگونه حقوق صنفی برخوردار نیستند / آنها بیشتر کارگران فصلی هستند/ و هر وقت که شیلات بخواهد می تواند کارگران را اخراج کند/ محل کارشان طوری است که سلامت کارگران در شرایط سرما و توفان سوزنده دریا در خطر است. و عمایطی که گفتیم شرکت تعاونی در حقیقت وسیله ای برای استفاده از مهارت صیادان محرب در امر صید و تربیت و فروش ماهی در بازار قاطع آن بود. رژیم به آن چیزی که میخواست یعنی صدور کامل این ماده غذائی به خارج و نیز شش ماهی در آن حاصله از آن وسیله دولت جهت خرید به امپریالیسم/ نائل آمد. مهارت بیگن صیادان مهارت و محاسبات معنوی بود وهای مردم و سواد بیروگرایی باعث شد که در کنار صید کمپرادوری یک صید آزاد بنام صید "تاجان" شکل بگیرد. صیادان با استفاده از صیاد بدون ادوات دولتی به ماهی صید کرد شیلات و از آنجمله مقرر شایسته بعنوان روش صید این روش و آنکه آزادانه به صید می پرداختند بنابراین با توجه به مسائل ابتدائی صید و کلیات ماهی در بازار روشن نشد. روش صید ماهی بسیار گران بود و تنها متعولین قادر بر صرف ماهی بودند. و این موضوع همواره ناراضی بشدید صورت گرفت به رژیم قلمبند صیادان. شیلات در کنار این ماهی بسیار بود. پس از قیام بیست و یکم ماهی صید از این روش دیگر کنترل دولتی در امور صید از بین رفته و صیادان در ابتدا آزادانه به صید ماهی می پرداختند / جالب اینجاست که مردم چین بیاطر و بیفروشان را در این روش که از این گونه های تبلیغاتی خود شعار ضد سرمایه داری و وابسته را میدهند. حتما صید را از این صیادان دیگر از حرکت انقلاب مردم از این ماده غذائی بهره مند میشوند و اگر بر اثر فرار سرمایه داران کپیاردوری کمبود مواد غذائی از جمله گوشت شدیداً احساس میشود / در عین صیادان / این مردان صبور و زحمتکارها با زوان نیرومند خود غذای مردم را تاهین می کنند و دولت هم باید از این زحمات صیادان بسی قدرتی کند. و لیس ضلعتان / این مرد ماهی که زندگی به آنها همواره در سپاس آمیزت / این مردمانی که به اقتضای طبیعت کار خود شمان کون آرامش ظاهری دریا را خواهند خورد و همواره هوشیارند و همواره پس از هر آرامش انتظار طوفانی بسیار ناگهانی دارند / طوفانی که زندگی و تمام ریاضت تولیدی شان را در یک طرفه المین درهم پیچیده به قلب دریا میسازد / عوشارانه از بیخ برای روشن شدن وضع خود تمام اقدامات قانونی را انجام دادند / آنها از فروردین ماه ملی نامه ای به سران دولت و امام خولستار روشن شدن وضع خود بود و مانند ولی رژیم به هیچوجه به آنها پاسخ روشنی نداده و امروز با سه فردا موکوب کرد. زیرا برنامه رژیم از بیخ معلوم بود و آن این بود که با عمامی شمار گذشته جلوگیری از صید بی روشی روابط گذشته را ادامه دهد. و این چیزی بود که نه مردم و نه صیادان نمی توانستند بپذیرند رژیم میدانست که مردم به مقابله با آن خواهند پرداخت رژیم که تا آن موقع هنوز مردوران شیوی خود را سازمان نداده بود موضع خود را روشن نمیگردد. بتدریج کمزوریان روش سازمان می یافتند ما اینجا و آنجا شاهد معانعت های پاسداران از صید بودیم ولی این بنسار تحت نام "حفاظت از بهت المال" این معانعت ها حتی در برخی از نواحی منجر به برخورد شدید شد. بالاخره هر چه که فصل صید در هر یک از صیادان خواهد بود مشکک تر به دولت فشار می آورند. صیادان گروه گروه در استانها

فرمانده اربابا و... تخصص می نمودند و خواستار روشن شدن وضع خود بودند و دولت همواره موضوع را به امروز و فردا موکول میکرد. نتیجه تمام این اقدامات صیادان منجر به عقد توافقاتی بین دولت و صیادان شد. طبق توافق طرفین صیادان آزاد و شیلات تا تعیین تکلیف قطعی یعنی تاریخ ۲۵/۷/۵۸ از صید منع شدند. صیادان که در این دوران گران و قحطی کمر شکن مانند تمام زحمتکشان تاب و تحمل آنها را از بین برده بود / بن صبرانه منتظر پایان موعده مقصد نشسته بودند ولی ناگهان با تمام کمزوری وضع در فصل تابستان با تعجب مشاهده کردند که در روز ۲۳/۷ یعنی ۲ روز قبل از پایان موعده توافق شده / شیلات اقدام به صید ماهی نمود. این عمل در شرایطی از طرف شیلات انجام میشد که قبلا در این فاصله برای مقابله با مردم / مردمی که در انتظار فرارسیدن موعده مقرر روز شماری میکردند نیروی خود را بوسیله فراخواندن پاسداران کلکی از مرکز تقویت کرده بود.

ولی بر خلاف تصور بیکاره در شعله های خشم و نفرت مردم محاصره شدند. مردم برای قطع کردن دست این مزدوران از منابع طبیعی بیکارچه به اتوبیلهای حامل ماهی شیلات حمله بردند و تمام ماهیهای صید شده را صادر کرده و آنها را بین مردم تقسیم نمودند. این آغاز درگیری مردم بود با مزدوران شیلات که قبلا برای خونریزی به این شهر آمده بودند. مزدوران در انتظار این لحظه کین کرده بودند و به محال اعتراض بسوی شیلات رفتند بطرف آنها شلیک کردند. بیکاره شهر بیکارچه علیه رژیم متحد گشت خیر این جنایت بلافاصله به تمام شهرها از طریق کومه ارتباط صیادان این خطه رسید و صیادان شهرها / بسرعتا برگی کمک بر فضای خود به انزلی سرازیر شدند. خشم و نفرت مردم به حدی بود که دیگر گلوله های این مزدوران / خللی در اراده شان نمیتوانست بوجود آورد / هرچه رژیم در موضع خود باقی میماند / مردم متحد تر و ششگ تر میشدند. شعار "رفیق خمینی / هر صید دولت وابسته / نمیتواند آسوده بخواب خمینی بیدار است / بسرعت ورد زبانها گشت موب و در دیوار شهر را پرشانند / ترس بر اندام رژیم افتاد و بلافاصله با یک مأمور تاکتیکی به عقب نشینی پرداخت آنها که در ابتدا مبارزات مردم را ضد انقلاب و... مینامیدند آنها که این مبارزات را تحریکات ضد انقلاب مینامیدند بیکاره لحن گفتار را عوض نمودند / آنها تمام این اقدامات را با گردن مسئولین شیلات گذاشتند و خود را از این اقدامات بی اطلاع نشان دادند. آنها باین طریق خواستند سمت اصلی مبارزات توده ها را منحرف سازند و خشم و نفرت مردم را بسوی مسئولین امور جلوه دهند نه کل رژیم و سیستم. بلافاصله صید را بطور مشروط آزاد اعلام کردند. صید آزاد اعلام شد مشروط بر اینکه صیادان ماهی حرام گوشت یعنی همان ماهی خاویار را صید نکنند. شیلات کماکان خاویار را برای صدور به هتل های غربی در انحصار خود نگه داشته با اعلام موضع جدید صیادان با قفسه و ام ابزار و وسائل صید تهیه کردند. ولی بنظر ما این یک عقب نشینی تاکتیکی است اگر رژیم بتواند به بحران درونی خود فائق آید / بلافاصله بشکل دیگری صیادان و مردم را از ماهی محروم میکند. ولی در این شرایط دولت چون مواجه با مقاومت وسیع و قهر آمیز صیادان قهرمان خواهد شد / از هر گونه اقدام دیگری خود داری برزیده است.

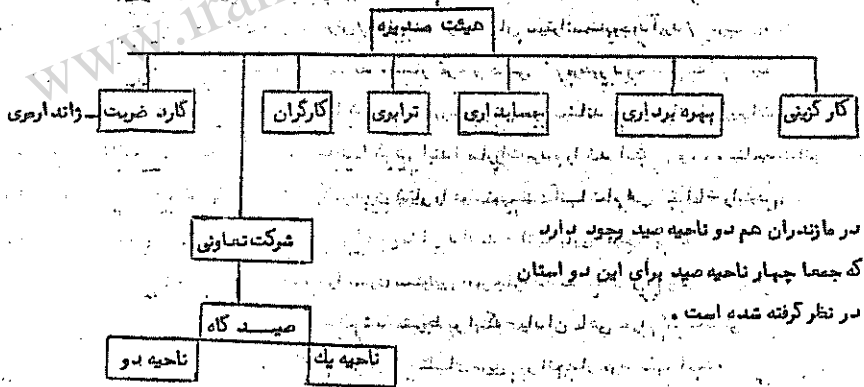
با ایمنان سه پیروزی راهمان

در حاشیه شیلات بندر انزلی و چگونگی عملکرد آن

شیلات بندر انزلی در سالهای گذشته به علت اینکه در سواحل جنوبی بحر خزر واقع می باشد و این منطقه از نظر صید ماهی اهمیت بسیاری دارد / ابتدا توسط روسها تأسیس شد . در آزمون کلیه بهره برداری آن توسط روسها کنترل میشده است . در سال ۱۳۳۲ بواسطه بدکردن بهره برداری مستقیم آن از دست روسها خارج شد . در آند شیلات هم اکنون از ماهی خاویار که به کشورهای دیگر جهان صادر میگردد / تعیین میشود بطوریکه طبق آمار تخصصین بهره برداری در سال / ۱۱ الی ۱۲ میلیون تومان ضرر نشان میدهند که این مبلغ از راه فروش خاویار تامین میگردد . شیلات شامل این قسمتهاست :-

- ۱ - هیئت مدیره
- ۲ - اداره کی شیلات کیلان
- ۳ - اداره کی شیلات مازندران
- ۴ - سازمان تحقیقاتی شیلات
- ۵ - تکثیر و پرورش ماهی - کتالم شیخسوار - بندر مینگر - رشت
- ۶ - اداره کی امور مالی
- ۷ - امور اداری

در زمان اجرای طرح شیلات کیلان - بندر انزلی



تا حسن رود کپورچان

ماهی صید شده که در کپور صید شده است / اطان انجماد / اطان نگهداری / بازار صرفی که شامل ۱ - داخلی (فقط ماهی قلمی - کپور سوخا / ماهی سفید / کفال / زرد پرو) ۲ - بازار خارجی (ماهی غضروفی) که شامل کشورهای اروپایی و آمریکا می باشد .

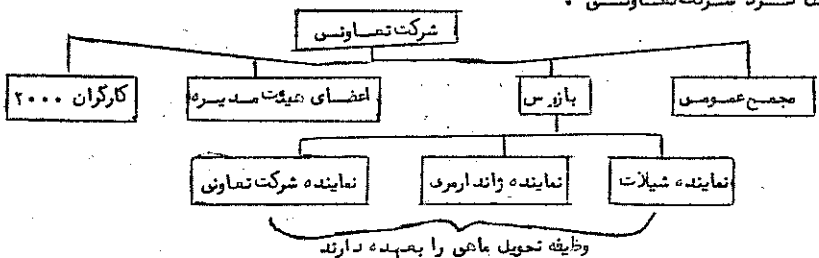
با توجه به نمودار فوق به نقل و ابستگی این موسسه ضد صیادی (بقرل مردم) و وابستگی آن به کشورهای سرمایه داری می خواهیم برد . گارد ضربت شیلات / که چنان سرکوبی برای صیادان آزاد بوده است با مجهزترین قایق ها به

به گشت زنی مداوم میرداخته و در دریا و خشکی بتعمیق صیادان مشغول بوده است . بنا به اظهار یکی از کارگران شیلات / در سال چفته میلیون تومان بحساب واگذارمری در تهران واریز میگردد . سرکوب صیادان به بهانه های " صید بی رویه " / " انقراض نسل ماهی " و . . . صورت میگرفت . کارگران شیلات در قسمتهای فروشگاه ماهی سردخانه / انبار و ترابری کار میکنند . در رژیم سابق گروه کثیری از کارگران شیلات یکبار برای کسب پاره ای حقوق خسود دست به حرکات اعتراض آمیز زده / از جمله از تخلیه انومبیلهای حامل ماهی و تکمیل ماهیها جلوگیری بعمل آوردند و در رابطه با خواسته های خود اعتصابی براه انداختند که توانستند کارگران قسمت ترابری و کارمندان شیلات را نیز به این اعتصاب بکشانند این وضع مدت چهار ماه ادامه داشت و در طی این مدت کار صید و فروشیهای را شرکت تعاونی بسجده داشته . بعد از ۲۲ و ۲۱ بهمن / کارگران نمایندگان برگزیدند / تا از طریق آنان / در پاره پاره ای خواستههای صنفی خود (طرح طبقه مشاغل / بدون گروه و طبقه کاری) با هیئت مدیره وارد مذاکره شوند .

شرکت تعاونی در رابطه آن با شیلات :

قبلا " هدف از تشکیل شرکت تعاونی را دیدیم / این شرکت برای شیلات نیروی کار ارزان دست و پا مینماید . بدین طریق که در شرکت در فصل غیر کشاورزی که روستائیان برای تا بهین مایحتاج زندگانشان روانه شهرها میشوند / قسمتی از این نیرو را جذب و چون این شرکت متعهد به صید شیلات است / در زیر چتر حمایت ابزار سرکوب شیلات (واگذارمری) قرار دارد و با گذاردن وسائل صیادی و وام در اختیار این نیروهای کاری و ورزیده که از روستا به شهر آمده اند و بدلیل وضعیت اجتماعی / از سطح توقع پائینی برخوردارند / به استیوار آنها می پردازد . اغلب این کارگران از شهرهای خلخال / مشکین شهر / اردبیل به آستارا تا آستراآباد منتقل شده و در سالنهای ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفری اسکان داده میشوند (نمونه این وضع را در چمخاله لنکورد می بینیم) تهیه وسایل زندگی بسجده خود این زحمتکشان است . ششسره کار آنها یعنی ماهیهای صید شده کیلوش ۳۰۰ ریال به شیلات تحویل داده میشود (البته با تلفاتی که ناشی از کیفیت پایین نمایندگی شیلات و واگذارمری و شرکت تعاونی است) ظاهرا شیلات این ماهی را کیلوش ۳۵۰ ریال بفروشد با در نظر گرفتن هزینه حمل سردخانه سنگداری و چنین امری موجب ضرر شیلات خواهد شد اما این ضرر اساسا فروش خاویار جبران میگردد . در بندر انزلی اغلب صیادان شیلاتی ضوابط این شرکت را به علت فقر اقتصادی قبول میکنند تصدات صیادان در کل گیلان در حدود ۲۰۰۰ نفر است که در ۲۷ شرکت تعاونی عضویت دارند .

عملکرد شرکت تعاونی :



محل صید شرکت تعاونی در بندر انزلی / حسن رود (۵ کیلومتری بندر انزلی) و کپورچال (۷ کیلومتری این بندر در جاده رضوانشهر) میباشد بدینوسیله است قیمت ماهی صید شده را شیلات با توجه به ضوابط خود تعیین می نماید و شرکت صیادان (کارگران) دخالتی در آن ندارند که این دلیل استثمار شیلات است .

صید شده را در اختیار فرمانداری انزلی قرار دهد و روشنگاری از طرف شهرداری آنها را بفرشد. ولی با توجه به اینکه شرکت تعاونی امکاناتی از قبیل ابزار ماهی در سردخانه و امکانات شور کردن ماهی و... رانده است فرماندار از قبول امر

سر باز زد.

شیلات عمدتاً وظایف زیر را بنفع سرمایه داران وابسته انجام میدهد:

۱- سوسیله این مؤسسه که در این منطقه "جنوب خیز" واقع است و عدم ای از صیادان قدیمی در آن کار میکنند کلیه موارد صید و طالعیه چگونگی آن توسط کارشناسان شیلات تحت کنترل قرار میگیرد. در حال حاضر فقط قسمت اداری آن سوخته و سایر قسمتها کار انجام میدهد.

۲- با توجه به وسایل سرکوب نهائماً به دستگاههای بیروگراسی وابسته کله نموده و منافعیشان را تا همین می نماید صدها ماهی غرضوف به آمریکا سوکندهای اروپایی که طار قرار داده اند. انجام میگیرد و خوابار که سود سر شاری نصیب کشورهای غارتگر می نماید.

۳- معمواره صیادان / شیلات را با منافعیشان در تضاد می بینند و چون برای صید آزاد راه چاره ای ندارند عده کمی در خدمت این مؤسسه ضد مردمی قرار می گیرند.

۴- سایرین مؤسسه به بهانه های از قبیل صید بی رویه / منقرض شدن نسل ماهی مقومل میشود و حال اینکه این توجه خواننده را فقط برای صیادان آزاد مردم سر میدهد و در عوض خود با نورافکنهای بسیار قوی به صید می پردازد و با توجه به شناسایی مناطق دریا و صید ماهی / مخصوصاً خوابار سود کلانی بدست میآورد.

بیشتر صیدها با "گشتی صیادی" و "گرجی" انجام میشود. شرکت تعاونی چه وظایف در رابطه با شیلات انجام میدهد:

۱- واسطه ای است با تقویه دولتی که نیروی ارزان کار در اختیار شیلات قرار میدهد (از آستارا تا استرآباد)

باعث میشود که مردم شیلات را مستقیماً در برابر صیادان قرار ندهند / و با ابقای نقش میانجی / رویوشی برای عمل فساد مردمی شیلات فراهم میکند.

۲- سهام داران وام و اعتباراتی از قبیل تور سوسایان ماهیگیری دیگر باعث میشود که شمره کار صیادان عضو شرکت را مستقیماً در اختیار شیلات قرار دهد.

صیادان آزاد و رابطه شان با بازار صرف:

صیادان آزاد مانند خوش نشینها یا کارگران کارخانه میباشند که جز نیروی کار چیزی ندارند. شمره کارشان تمسب سرمایه داران محلی و واسطه ها و سماک گمنی که ماهی را شور میکند میگردند. این صیادان در فصل بهار و تابستان تمیر صید "از سماکان پول فروش میکنند. در فصل صید "پایتیزو رستان" سرمایه داران تور و وسائل دیگر در اختیار ماهیگیران که خودشان به آنها قرض داده اند میکنند. به این ماهیگیران "مالا" یا "تاله" میگویند. این ماهیگیران صید میکنند و به بازار به جلوی دکان همان سماک میآورند. در این جا واسطه ها ماهیها را درجه بندی میکنند و همیشه درجه ۲ و ۳ از درجه ۱ یعنی ماهیهای خوب و اشیلان یا باصطلاح محلی "باج" بیشتر است. نرخ بازار در دست واسطه هاست که با سرمایه داران محلی تمام مستقیم دارند. ماهیها را حراج میکنند که خریدارانشان اغلب دلالها یا دلال همان دلالان میباشند. پولیکه سماک از این باب به ماهیگیر میدهد با احتساب واسطه کارها و قسطی که بابت استیلاک قرض کسر میگردد مبلغ ناچیزی خواهد بود که ماهیگیر به سختی میتوانند توسط آن زندگی خود را تا همین نماید (تازه اگر جوان عصب باشد و نیروی کار داشته باشد) بازار فردا آن همان و کباب همان خواهد بود. بدلیل اینکه دریا معدن نیست و تضمین

تولیدی ندارد نمی توان این نان خوردن را بومیه دانست و چه بسا بعثت کولاک بود دریا و احتمالات دیگر ماهیگیر
 نمی تواند قرض خود را بدهد در این صورت وام سال دیگر کم شدن خواهد شد و ماهیگیر بصورت اجیر و مزدور سمسار
 در میاید و تمام شوه کارش بدوین کسکاست در اختیار سماک و سرمایه در از قرار میگیرد و گذشت زمان و پیر شدن بصورت
 کاسکت بیست قرض کنار خیابانها همه فروشی / ۲۰۰۰۹۰۰۰ فروشی ۰۰۹۰۰۰ میکنند

سماک مملکتها را بجز حوضهای مخصوص خود میکند و قسمت دیگر را بصورت دیوی در کارگاههای که مخصوص این کار است
 آماده میکنند و آنها را نیز قبلی و نایست به قیمت گزاف می فروشند و اغلب این سماکان با سرمایه داران قزاقی شغلی دارند
 و چون لبروگرتان بنا ماهیگیری و صید بوده و بنا زائد امری و ساواک ساخت و ساخت دارند منافع سرشاری از این راه بهمیب
 شان میرود . قبل از انقلاب صیادان گذشته از خطر دریا / با خطر زائد امری و شکاریانی مواجه بودند که این مشکل
 با دادن رشوه و سمر خورانی زائد ارمهای لاتخوری و ما موزین استخوان لیس شکاریانی حل میشده است ولی در اواخر

سال ۱۳۵۵ و اوایل سال ۱۳۵۶ تعرضات و درگیری بین صیادان و این مزدوران جلاذ نهاد شده و آنچه قابل ذکر است
 اینست که صیادانیکه با این جلاذان نمیشدند یا حتی پول رشوه را هم ندانستند که بجز ارته بین نخاصان شدند گسه

نمونه هایشان در روزی آید بفر انزلی نهاد وجود دارند صیادان بطریق کونگون با این امر مبارزه و مقابله میکنند
 چه بصورت فرار و چه به طری مختلف دیگر . اینک چند نمونه از درگیریها و مقابله و تعرضات صیادان را ذکر میکنم

۱- در سال ۱۳۵۶ صیادی از ده ترکستان کنار مرداب انزلی به ما موز محیط زیست نسبت بگرفتن رشوه اعتراض میکنند و
 وسایل صید ترا به او نمیدهد که این عمل باعث درگیری میشود و او را با یک کاری به اندازه محیط زیست از آن بیرون
 و دو انگشت شست او را از پشت بسته و در حالیکه فریاد میرد "پس من دینت سه هزار تومان به شما دادم چه شد چرا"

مرا میزنید؟" ما موزین شکاریانی او را تا صبح در سترا زندانی کردند و پس از پیونده سازی و جرم تراشی (بجزم ضیعت
 ۲۵ عدد ماهی سفید غیر مجاز) وی را بدادگاه میفرستند . در دادگاه بحرفش که میگفت مرا زندانی کردنش ندادند و بجزم

صید غیر مجاز / ۲۵ عدد ماهی سفید را از او گرفتند بر صورتیکه دوستش میگفت با تازه شروع به صید کرده بودیم
 ۲- سدر سال ۱۳۵۵ مرداب یک شکارچی بطرف ما موز محیط زیست که میخواسته وسایل شکار او را بگیرد هجوم برده
 و پرخاش میکند و بعد از آن آنداختن ما موز فرار میکند ما موزین دیگر او را تعقیب میکنند ولی او همچنان فرار میکند و چون

شکارچی بوده با تفنگ شکاریانی اش بدلفشان تیر اندازی میکند . حاضرت او را در میگیرند و پس از اینکه به شکارچیانسی
 میبرند فرار میکند .

۳- در سال ۱۳۵۵ در آبگزار جوان ضیاعی بطرف و اندامری حمله میکنند و پس از درگیری او را تک برده و تفنگ و اندام را
 بر خطه ارا و فرار میکند . در این رابطه جوان صیاد ۶ ماه در شهر یانی بندر انزلی حبس میشود .

۴- در زمان ۱۳۵۶ شخصی در رابطه با افشای چپاولگریهای شکاریانی بهرامی سرمایه داران محلی در رابطه با
 اجازه ؟ روزنامه حفاظت شده لایحه درویشان که در فعل مهاجرت ماهیان فصل تخم ریزی ماهی بسیار فراوان و آسان
 در آن ضیاع میشود و همچنین بویلا کردن اساسی بطرفهای این قرارداد تنگی سرمایه داران محلی و خون آشام صیادان
 انزلی که مورد شتر تمام صیادان هستند و دیگر اعمال آنها که محبتی و اما نه از آن مرد میگویند / به ساواک انزلی فراخوانده

شده این شخص بعد از خوردن یک فضل که بتصرف صیادی دیگر خون خشک شده ناشی از ضربات سنگین و سخت دیده
 میدهد / به رئیس ساواک انزلی خاش گفت : شما بزنید من حرفم را خواهم زد اینجانانمند تهران / در شکار بان خواهم
 گفت پرونده این در تنی که : میلیون تومان بوده هنوز که هنوز است در دادگاه انباری مرکز سیر و سلوک عرفانی میکنند .

در آبانماه ۱۳۵۷ تمام پاسگاهها توسط دهقان محلی به تصرف درآمده و بعد از فرار ماهورین و تخلیه آنها بهاتن کیشوده خد پاسگاههای شکاریان آبکار محاصره و استند سرکستان سیاه درویشان و نیز در ویرج دیدمانی و کهمانسر تریاک کشیهای عبدالرضا بیلو و صالح به آتش کشیده شد . در این عملیات دهقانان تماما مسلح بودند .

در سال ۱۳۵۶ استند سه محیط بان در سرکستان به نام صیادان مسلح افتادند که از طرفی زنبای روستای بطرفشا سفک پرتاب میکردند و از طرف دیگر صیادان با تفنگهای شکاری به آنها تیراندازی میکردند . آنها وسط رودخانه گیر افتاده بودند و پس از ساعتی به کنار رودخانه آمدند و بر دم آنها را محاصره کردند و کک جانانهای به آنها زدند و یک محیط بان کت داشته و از ترس تیراندازی نکرد پس از به آب انداختن ولجن مال کردن آنها صیادان کاری کردند که آنها فرار را بر قرار ترجیح دادند .

آنچه پس از واقعه انزلی در این شهر دیده میشود :

ماهیگیران اخیرا از تحویل ماهی جهت نگهداری در سردخانه شیلات خودداری میکنند . بنا به گفته یکی از کارکنان شیلات / این موزه اصلا ضرر حیثیتی بهار خواهد آورد . در حال حاضر هم ماهی زخاویار صید میکنند . تیر ماهی بسیار زیادی به وسیله ماهیگیران آزاد بر دریا گذاشته شده اند . قرار دادهای بین البلی با آمریکا و کشورهای اروپایی هنوز با برجاست صیادان شرکت تیماوتی حال دیگر آزاد صید میکنند و خود میفروشند و ماهیهای صید شده را به شیلات تحویل میدهند و به نوبه خود در بازار صید میکنند .

مسائل مربوط به بازار صید ماهی

این روزها بندر انزلی پر از ماهی است . هر صفازه گاشی / بقالی / سبزی فروش ماهی نیز در بندر دارد . در سال ۵۱ سال اخیر این اولین بار است که مردم میبینند ماهی " حراج " شده است . قبلا وقتی مردم از شته بازار (جایی که ماهیها را تقسیم کرده و بفروش میمانند) عبور میکردند / چهره شان غیور گرفته بود و با نثار چند فقره سبزه سبزه کرائی و کبوتر ماهی / بازار را ترک میکردند / ولی حالا در هر گوشه ای از این بازار مردم با خوشحالی میتوانند ماهی بخرند . طبق یک خبر در روز

از جمله آثار وضع جدید که بوضوح دیده میشود / بیستگه مرشاهی که از کارخانه کانی جوجه سازی امیرالیستسبا نتر آمده اند در اولین مغازه های مرغ فروشی انباشته شده / گوشت گاو و گوسفند فراوان شده و همیشه در قصابیها موجود است (که در واقع نشانه بی اعتنائی مردم به این مواد غذایی خارجی در حضور غذاهای داخلی است) . مرغابی و چنگر که خوراک خانواده های کم درآمد است ارزان شد / این وضع از استرا تا استرآباد جریان دارد و بیشک در ارزان مایحتاج زندگی اثر میدارد . شمالیها هم با توجه به طوبت فراوان و همچنین ارزانی و فراوانی ماهی در این منطقه صرف ماهیشان زیاد است (با توجه باینکه ماهی در این منطقه مصرف خیلی مفید است) چون در پیشگیری از تعدادی از امراض متداول در این ناحیه از جمله رماتیسم استخوانی که در این صفاقه زیاد دیده میشود / تاثیر فراوان میدارد . چون عملا در مناطق صید / زاندرم و ماهورین محیط نیست حضور ندارند که هر دم از ماهیگیران باج بخواهند و به خرج اوتریال بکشند و مرغی بخرند و تیرین ع را غم بگیرند و بپاره کنند / اگر وضع حاضری پیش نیاید / قیمت ماهی در کولک بندی دریا افت خواهد کرد .

عده ای از صیادان و اهالی ده " جیر ده " که در کیلومتر ۱۰ شهر رشت / نزدیک زمینهای وزارت جنگ (مجتمع گشت و صنعت و پر امیروری) قرار دارد / با تورهایی ماهیگیری و " بره " به استخر بزرگ ضلعی به وزارت جنگ که ماهیهای پرورشی تولید میکنند / بزرگ آورده و شروع به صادره ماهیهای آن استخر نمودند (در روزهای ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ - آبان ۵۸) . توضیح اینکه این استخر قبلا توسط سرایان گارد محافظت میشد و بعدا توسط ۷ پاسداران

بندر فرحناز (کیشهر)

در این منطقه ضیاع آن ظاهر نیستند قوانین دست و پا گیر شیلات را بش گذر / جاکر باشد ، آنها میخواهند آزاد عید کنند ، این صیادان ماهی صید شده را ، اکثرا به رشت میبرند زیرا بر آنجا به قیمت بهتری از آن خریداری میکنند . در این منطقه اکثر کسانی که برای شیلات تور میکشند / تکه زمین ناچیزی دارند که کباب خن آنان را نمیدهند به همین جهت ۶ ماه از سال در استخدام شیلات هستند . در مناطق صید گیلان / ماهیهای صید شده توسط صیاد به شور کوباکون / به سناک عرضه میگردد . ناعادلانه ترین شکل عرضه در انزلی بصورت " صیاله " است که در آن صیادان برای سرمایه دار صید میکنند و عادلانه ترین شکل آن بدینگونه است که ماهیگیران برای خود صید میکنند و پس از از قیمت گذاری بوسیله دلال / شماک / از بابت هر تومان / ۱۰ شاهی بیا یک ریال از ماهی فروخته شده صیاد کسر میشوند (شماک بر صیادان)

دست امید پر بالیزم و جیره خواران
داخلی آنها از منابع طبیعی
کشور ما کوتاه باد

اخبار و گزارشات

اصل

شریکا. روز پنجشنبه ۱/۹/۵۸ آمل شاهد تظاهراتی بود که از سوی دهقانان در مقابل نماختن مقر سهامیاداران انقلاب اسلا می انجام شده بود. قضیه بدینقرار بود که چندی پیش چند هنگار زمین موجود در این روستا/توسیط زمینداران شهری که قبلا مالکیت آنها در اختیار داشتند به یک وکیل دادگستری (عاشق) و شرکایش فروخته شد. این خریداران زمین را متعلق به خود میدانند در حالیکه دهقانان بخصوص روستائیان بی زمین تلک از اراضی را حقی خود میدانند. چند روز پیش عده ای از خریداران شهری برای تصرف زمین اشدامانی بعمل آوردند اما تلاشهای آنان به وسیله روستائیان عقیم ماند. سپس یکی از خریداران بنام قنادی با تعدادی پاسدار به روستا رفتند و روستائیان را که در زمینهای مورد دعوا/حضور داشتند مورد بیورش قرار دادند در نتیجه تیراندازی پاسداران چندین نفر مجروح شدند و زنی که مورد اصابت گدای تفتنه یکی از پاسداران واقع شده بود/از ناحیه سینه دچار آسیب دیدگی گشت. نخستین دهقانان از اعمال شقاوت انگیز و بیشرمانه این اجیرشدگان بحدی زیاد بود که شبانه (ساعت ۱۰ شب) دست به تظاهرات اعتراض آمیز زده ضمن محکوم کردن این اعمال تنگین خواستار آزادی دستگیرشدگان واقعه و مجازات متواط پراهندازنده این جنایات شدند (یکی از دهقانان اهل محل پس از ده روز تا زکیها از زندان آزاد شده است).

مش همیشه در دوران ارتکاب این اعمال را بیگانه میگرداند و خود را از هرگونه گناهی صرا میدانستند چنانکه پاسداران در پاسخ روستائیان معترض اظهار داشتند "هرنگین حتما شهرمان چی یا کجته چی بودند وما چی پسین کاری نیکنیم" این آقایان کشتار خلقها و زحمتکشان در نقاط مختلف مملکت را چگونه توجیه میکنند؟ دم خروس را باید قبول کرد یا قسم حضرت عباس را؟!

سابق

شنبه ۳ آذر ماه ۵۸ علی اکبر ایمانی یکی از زمینداران بزرگ بابک که وابسته به ساواک نیز بوده به چند دهقان میافتند. دهقانان که تعداد آنها به ۳۰۰ نفر میرسد ساورا در شهر گردانده و ضمن دادن شمارهای /رقمهای ایمانی / مرکز ساواکی / ناپرده را به سوی اداره کشاورزی میبرند تا در آنجا کارهای اداری تصرف زمینی را که او در اختیار گرفته بود. با انجام رسانند. دهقانان حسین راهیمیانی یکمدا اظهار میداشتند که "باید زمینهای تحت اختیار او را بین خود تقسیم کنیم" یکی از دهقانان که بشدت خشمگین بود قصد داشت او را ضروب نماید. دهقان دیگری اظهار میداشت "چند سال قبل ایمانی با خراب کردن چندین خانه روستائی سبب کشته شدن چندین زن و بچه گردید". دهقان دیگری عقیده داشت که باید ما روستائیان خودمان او را محاکمه و اعدام کنیم.

ساری

روز شنبه ۳/۹/۵۸ فریاد مرگ بر شاه / تعدادی روستائی که در مقابل دادگستری سناری اجتماع کرده بودند توجیه عاقرین را بخود جلب کرد. فریادی که در طنین خود در واقع / قوانین و ضوابط رژیم سابق را که همچنان برقرار مانده اند

مورد حمله قرار میداد علت اجتماع روستائیان بی اعتنائی مراجع قانونی به تظلمات آنها بود . روستائیان به اقدام مسئولین جهت بنای يك مدرسه در یکی از قرا' اطراف فرح آباد مختصراً بولاند . تقصیر بدینقرار بود که ه هکنار از زمینهای شخصی بنام هاشمی (از زمینداران فرازی) بین ۷۰ خانوار ساکن این قریه تقسیم شد / این شخص یکی از کارکنان غیر رسمی شاهپور عبدالرضا با استفاده از کسائی مثل هاشمی / مرضوی / ... / زمینهای روستائیان را مورد غارت خود قرار میداد . هاشمی ها با استفاده از این موقعیت خود / یعنی نزدیکی با شاهپورها تجاوزات قانونی غیر قانونی میسازد انجام میدادند . همه روستائیان بیاد دارند که چگونه شاهپور محمود رضا مراتب ۷۰۰۰ هکناری دهقانان را بکله همین افراد ویا استفاده از امکانات فنی و مالی اداره آبادانی و مسکن بزرگت خود در آورد و باز همه دهقانان بخریست بنظر دارند که پس از اصلاحات ارضی همین شخص چگونه در کنار هکناری با شاهپور ها / زمینهای دهقانان را مورد تجاوز خود قرار دادند) / و اکنون میخواهند در وسط زمین مذکور مدرسه ای بنا کنند . این عمل گذشته از آنکه یقیناً روستائیان امکان تجاوز به زمینهای اطراف را فراهم میکند / بلکه قطعه زمین لازم برای بنای ساختمان مدرسه را از دست کسائی خارج میکند که فرزندان بیلیم یکی از شهدای انقلاب میباشد . این تجاوز بیشرانه برای روستائیان یادآور همان تجاوزات رژیم قلیبی به تمام شئون و حریم زندگی آنان بود و آنان میخواستند بیاسخ خون مستنکر خوبی برای ارج گذاری به جانباری این شهید با اعتراض و خویش حقوقی حقه وی را محفوظ نگه دارند . البته این اقدام پس از آن صورت گرفت که مسئولین به پیشنهاد روستائیان دایر بر واگذاری زمین مورد نیاز در بخش دیگری از همان ه هکنار که قسمت کناری آن بود وقتی بزرگ نهاده شبانه با حمایت مأمورین پاسگاه ژاندارمری به درون زمین ریخته ساختمان مدرسه را آغاز کردند . در حین جمع جلوی دادگستری یکی از روستائیان فریاد میکشید : اثر لازم باشد به ژاندارمری حمله و آنرا غلبه سلاح میکنیم تا کتون بخش از زمین بار شکایت کردیم اما جوابی نشنیدیم .

در جریان این اجتماع پیرمردی روستائی مورد حمله و ضرب و شتم فردی خارج از جمع قرار گرفت که واکنش ساین را بر انگیزت لحظاتی بعد سرور که پاسدارها پیدا شد . آنها یکی از روستائیان را بازداشت کرده در اتومبیل انداختند تا ببردند اما روستائیان که دست در دست یکدیگر متحدان به این اقدام دست زده بودند میدانستند که پشت کردن به یارانیشان بهخسوس ناگاهی و شکست خواهند بود دستجمعی راه حرکت اتومبیل را سد کرده گفتند یا همه را ببرد یا هیچکس را .

تصدای از آنان تا حد ظرفیت با اتومبیل و قیفه پیاده بدنیا آنها براه افتادند در حالیکه در بین راه زمینیان سختی از انحاء و همینستکی بر علیه زور و ستم بود .

میترا زار

شرکت دانه های رضی که شاخه ای از شرکتهای زنجیره ای (با شاخه های تهران دام پارس شرکتهای دانه های رضی آمل / کیاکاد / بهمنیر / سارن / بهشهر و ...) میباشد بین بایب و بایلمر / با ۱۱ کارمند و کارگر (۱ نفر قسمت حسابداری / ۴ نفر قسمت سوزن زنی / یک نفر افرات زن / یک نفر متصدی پاسکون / یک نفر کارمند دفتر رئیس شرکت / تعداد نظر مهندس شرکت از ۱۲ همراه سان جاری آغاز بکار نمود . از وقتی که سرمایه های امیرالیستی / هموم به همه بخشهای اقتصاد ملی / از جمله کشاورزی را تخریب کردند سازماندهی اقتصاد بوسی که بر چنین نیازمندیها بازار داخلی تکامل می یافت از هم پاشید و اعتماد بیگانه گنت محصولات را تجمیع کرد که نه تنها مورد نیاز اساسی ما نبودند بلکه ثمرات آن ها نیز بدیه بیگانگان سراسر زیر شدند که وظیفه بر آوردن نیازهای غارتگرانه امیرالیسم را بر عهده داشتند . شرکت فون نیز از جمله همین شرکتهاست به همین جهت شرکتهای مختلفه در همه شاخه های تولیدی مثل قالی از زمین سبز شدند که

که دانه های روغنی را به قیمت بسیار زیاد از دهقانان خریداری میکند. این شرکتها/ حتی به این حد از چپاول نیز بسنده نمیکنند آنها در گذشته/ با حمایت دولتهای دست نشانده و کمک قوانین و ضوابطی که ابتدائی ترین حقوق کارگران را میسر میزدند یا میزدند (و هنوز هم برقرارند) / کارگران استدعا می کنند خود را به بشماره ترین وجهی / مورد هر نوع رفتاری که منافعی کثیف خودشان را تأمین کند قرار میدادند و به انتظار کارگران ما برای آنکه اکنون شاهد لغو این قوانین و تخریب روابط پیشین باشند / پاسی مثبت داده نشد. کارگران شرکت فون نیز بابت قانون کار پیشین به استخدام در آمدند که بموجب آن کارفرما حق اخراج کسانی را که کمتر از ۳ ماه و ده روز کار کرده باشند / دارد. پس از مدتی ۷ نفر از کارگران و کارمندان را به بهانه کم شدن قدرت خرید شرکت و عدم توانایی در پرداخت دیون / پس از ۴ روز کار / اخراج کردند.

(اصل)

همین چندین پیس بود که عین همین جریان / در شرکت "مدلار" نیز اتفاق افتاد. شرکت با توسل به همین قانون دوش از کارگران را که نزدیک به ۳ ماه کار کرده بودند اخراج نمود و این براساس توهینی است نسبت به این زحمتکشان که مشارکت آنها در انقلاب مبرکت که پروژه امپریالیسم را در خاک میپاشد ما برای همیشه بخاک پیالده.

(در مورد "مدلار" لازم به یاد آوری است که پس از این تصمیم کارفرما / سایر کارگران به این امر اعتراض نمودند و به تضر کار تفرقت و آنقدر پی گیری نمودند که کارفرما ناچار شد کارگران اخراجی را بسر کار باز گردانند.)

گزارش فنی از خانه کارگر

دوشنبه ۲۴ آبان: جریان زیر از گروه همایی کارگران در خانه کارگر تهیه شده است.

ابتدا یکی از کارگران پشت میکروفون قرار گرفت و سخن را از توضیحاتی در مورد جریان روزی آغاز نمود. وی گفت: در روز در حدود ۵۰۰ نفر کارگر رو / از کارخانه های مختلف برای تصرف خانه کارگر بسیج کرده بودند / با این تبلیغات که این کارگرسر ما / آمریکائی هستند و چند نفر رو کروگان گرفتند و رشدها دادند که تا گروهانهای آمریکائی داخل سفارت آزاد نشوند / ما اینها را آزاد نمیکنیم" (۱۱) ما خونسرد و با آرای در خانه کارگر رو باز کردیم و همگی رو دعوت به نشستن نمودیم. یکس از اوها گفت: "..... گوئیم این "چین ما" / "گوئیستها" / آمریکائی ما" کجا هستند؟ بعد از اینکه ریختن قیافه ما را دیدند فهمیدند که بابا چیزی نیست و ما مثل خودمون / کارگران هستیم که با آمریکا هم تماس نداریم / از کاری که تا آگاهانه انجام داده بودند پشیمان شدند. وی در ادامه سخنان خود افزود که امروز که حزب میزدیم به ما میگفتند / خرابکار / حالاً اینک ضد انقلاب آمریکائی / افریقاشی" (۱) نه / ما ایرانی هستیم و سمارمان اینه" کار بدون سرمایه های آمریکائی سامپریالیستس" حالاً در چند تا از رفقای کارگر دعوت میکنم بیان اینجا از وضعشون حرف بزنن تا معلوم بشه آمریکائی کیسه؟

کارگر بعدی ۶۳ ماهه بیکار / کار بهم نمیدن / ۸۰۰۰ هزار تومن فرسودم و همش خورده شد / تا بچه دارم / ۲ بچ گرایه خونته ندارم. / خونتهام هم / اعزازده حسن هر کی باور نمیکه بچه بیینه.

..... دیشب میخواستم خودمو بیندازم زیر تریلی / نداشتم. آخه من با چی / چطوری به بچه دارم / الان فقط ۵ تومان تسو جیبمه / با این پول چکار میتونم بکنم؟ از برادرها و خواهرها میخواستم نظر بدن / آخه من شد انقلابم؟ ببینید جورابو ما در از دعات برای فرستاده. دمایای بیوشم چون گشند از ارم رفتم کمیته تم انداختن بیرون / گفتند برو تهران / اونجا یسه عده آذوند بودند که فقط بهمون زنده میدادند میخواستیم بدونیم این ۳۰ میلیون تومان پول نفت کجا میره؟ اقل روزی ۲۰ تومنش را بدن به ما. سینه کارگر بعدی از ابتلای خود به بیماری و ابتهاج روشویی که به او زده بودند و تشکیل شورا برای تأسیس بیمارستان سخن گفت و افزود که در این رابطه چه دوندگیها از این کمیته به آن یکی و از این داند سرا به آن داند سرا دیگر و بعد هم به وزارت کار کرد تا کار پیدا کنولی / موفق نشد. آنکه سخننگری کارگران گفتند ما نفر اینجا مثل این دوستان نشسته اند

اوتنهایی که به ما میگویند آمریکائی / بدون آن که ما عاقلیم که اینجا هستیم / کارگریم / گرسنه ایم ونداریم
 آمریکا / آمریکا / مریک به نیرنگ تیر
 سپس کارگر دیگری رشته سخن را بدست گرفت . او که دارای ۱۸ سال سابقه کار در ای ای بیوی از مدارک بال بهر
 سابقه کاری بود گفت منظر ما قبل از قیام انقلاب بودیم ولی حالا عند انقضی شدیم .

من آمریکا نیستم ولی کابینه ای که از توش ساواکسی در من آمد انقلابیست ؟
 چرا رادیو سلتویزیون صدای ما را پخش نمیکنند ؟ عله این همون رادیو سلتویزیون نیست که خودمون محاصره اش کردیم ؟
 حالا شده ما یک نفر که میگه رادیو ... ما با برنده هاست . خوب تو پاپرتهای یا هزاران مثل من ؟
 ببینید چطور می خواهند مارو ترویج همدیگر ببندازند ؟ میشب کارگرها رو فرستادن بیان مارو بیرون کنند ولی ما کارگرها
 با هم چنگی نداریم میائید یکی شوم تا به خواسته هامون برسیم . یک دست همدا نداره باید با هم یک صدا
 یک دل / دنبال راه چهار باشیم . تنها راه چهار اتحاد است .

بعد از آن چند کارگر دیگر از درد های زندگیشان سخن گفتند تا آنکه کارگری به پشت میکروفن رفت و اعلام کرد که گفته
 پیش یاسداران یکی از کارگران را دستگیر کرده و ممنوع آزادن کرده اند . پس از آن که کارگر دیگری پارهای از مشکلات
 کارگری از قبیل بیمه حقن و بیمه بیکاری را بر سرده آتای شیک پوشی پشت میکروفن گزار گرفت و اظهار داشت که بیمه
 بیکاری تدوین شده و به شورای انقلاب فرستاده شده و قرار است به تمام کارگران بیکار داده شود .

در این بین چون عده ای پیشنهاد راهیمایی بسوی سفارت آمریکا را داده بودند / نماینده کارگران بیکار پشت میکروفن
 قرار گرفت طی سخنانی گفت : هر روز ما رویه جا فرستادن / از فروردین به اسپهبدی خواست ما
 چیزی است که تا گرفتن بر سه اینها از پای نخواهیم نشست و آنه قرار بود که سرما رو سیره نماند تا حالا داده بودند
 راجع به رفتن به سفارت من نه موافقم / نه مخالف / من با حرکت موافقم که حتی با هم باشیم ولی شخصا نمیتوانم یک
 نماینده نگرم اینه که مخالفم . کس میگه با رفتن به سفارت ما ضد امپریالیستیم؟ ضد امپریالیست بودن یعنی صادر کردن
 اموال سرمایه داران درون کشور . یعنی صادره / گس ساختمانهای شمال شهر که ما وابستگان به آمریکا ست بنفیع
 زحمتکشان / یعنی تا همین زندگی زحمتکشان حکومت ما امپریالیست نمی تونه حامی کارگران باشه تا
 کس حرف ؟ عمل !

حیثیتهای کوتاه
 کلله سری الله خواجه وندی که در رژیم قلی / یک میلیون و دویست هزار تومان / از شرکت تعاونی کیاسر / اختلاس
 اختلاس کرده بونه اکنون نماینده " بنیاد مستضعفین " در کلله محسوبه می باشد .

سازی

روز دوشنبه ۵ / ۹ / ۵۸ / دختران فانی التحصیل مدرسه عالی بهداشت / در بیمارستان واقع در میدان ششم بهمین
 سابق متحصن شدند . تعجب آنان بخاطر اعتراض به بیکاری صورت گرفت .

اعزاز

در تاریخ ۲۶ آبان ماه ۵۸ در شهر اهواز توسط گروهی غیر مذمعی تظاهراتی ضد آمریکائی برپا شد که طی آن تظاهر
 کنندگان همان شعارهایی را که این روزها بر علیه آمریکا داده میشود تکرار میکردند . ولی کویا عده ای از غلاتومه

حتی حمله به سیاست آمریکا را هم منحصر بخود دانسته و نمی خواهند اجازه دهند که گروههای دیگر شعارهای ضد امریکائی بدهند !! از این نظر هنگامیکه تظاهر کنندگان از محله لشکر آبان اغواز میگذاشتند با سنگ و چاقو مورد حمله عدوهای از فالتو ها قرار گرفتند که در نتیجه منجر به زخمی شدن ۳ دانشجو میشود . تظاهر کنندگان در نظر مهاجمین را که اقدام به ضروب نمودن دانشجویان کرده بودند دستگیر و خواستار میشوند که باید به وضع موجود رسیدگی شود . در این زمان هرگونه پاسداری پیدا میشود و با شلیک چند تیر عوائق ظاهرا "تظاهر کنندگان را متفرق میکنند" و لیسون در فایقی بعد تظاهر کنندگان میداند "اجتماع کرده و شمار میداند که باید در مهاجم دستگیر شده محاکمه شوند" در این هنگام مهاجمین به حمله خود شدت بخشیده و زود انفجور را بگروگان میکوبند . در گری تا شب ادامه میدهد و ساعت ۸ شب باوج خود رسیده این بار مهاجمین با لشکر کثیف خود بشدیدترین وضعی حمله نموده ضمن شکستن شیشه های دانشگاه و دادن رگیلهترین فحش ها به دانشجو را که اکثر آنها دختر بودند ضروب نمودند که همه آنها در نتیجه ضربات وارده برپوشیده شده و در برها رستانهای اغواز بستری میگرددند . هنگام حمله مهاجمین پاسداریان بطریق خون سردانه مشاهده عاجزا بوده و هیچگونه اعمالی که مانع از حمله مهاجمین نشود بعمل نمی آورند . همانطوریکه انتظار میرفت

تکبیر از هواداران * چسبکهای فدائیس خلق ایران * در اروپا

پیش بینی سازماندهای مسلح زود هنگام

www.iran-archi.com